یک داستان معمایی و جنایی پرهیجان؛

سریال بازنده؛ معما، جنایت و مکافات

■ سریال بازنده یک مجموعه معمایی است که به تازگی به‌صورت اختصاصی از پلتفرم فیلیمو منتشر می‌شود.

نیما رجبی

گروه فرهنگ و هنر– به دلیل معمایی بودن داستان و حفظ جذابیت آن برای مخاطبان، اطلاعات دقیقی درباره سریال بازنده Loser یا بازنده منتشر نشده ولی خلاصه داستان آن، این متن مبهم و رازآلود است: کارآگاه کیانی، درگیر پرونده‌ای پیچیده می‌شود که رازهای بزرگی از یک خانواده را برملا می‌کند. آنطور که پیداست ما با سریالی جنایی و رازآلود طرفیم که قرار است یک پلیس، راز این ماجرا را به دست آورد.

بازیگران و عوامل سریال بازنده

امین حسین‌پور، نویسنده و کارگردان این سریال و احسان ظلی‌پور تهیه‌کننده آن است. این کارگردان، پیش‌تر سریال کوتاه درمانگر را در ژانری جنایی و رازآلود برای فیلیمو ساخته است. بازنده دومین تجربه حسین‌پور در این ژانر محسوب می‌شود. اما گروه بازیگران اصلی مینی‌سریال بازنده که بسیار هم کنجکاوی‌برانگیز است، از این قرار است؛ علیرضا کمالی، سارا بهرامی، صابر ابر، صدف اسپهبدی، رویا جاویدنیا، محمدعلی محمدی، امیر غفارمنش، مهدی رکنی، علی مردانه، الهه اذکاری، ترنم کرمانیان، امیرحسین رضازاده، سپیده مولوی، ستاره قهرمانی و با حضور پیمان قاسمخانی. مدیر فیلمبرداری: آرش رمضانی، تدوین: سیاوش کردجان، طراح و ترکیب صدا: حسین ابوالصدق، طراح لباس: مارال جیرانی، طراح صحنه: امین حسین پور، مدیر تولید: پوریا زمانی، موسیقی: پیام آزادی، مدیر صدابرداری: محمود کاشانی، طراح چهره پردازی: مهدی صیاد، سرپرست گروه برنامه‌ریزی و کارگردانی: علی مردانه، دستیار اول کارگردان: رضا مسعودی، برنامه ریز: حمید غفارزاده، منشی صحنه: فائزه فرزام، مدیر تدارکات: مرتضی اسکندری، طراح جلوه ویژه بصری: کامیار شفیع پور، طراح جلوه ویژه میدانی: مجید حیدریی و عکاس: محمد مهدی دل‌خواسته.

آیا بازنده اقتباس است؟

سریال بازنده بعد از سریال‌های یاغی، قطب شمال و زخم کاری چهارمین اثر اقتباسی فیلیمو است که اقتباسی از یک رمان است. رمان «زن همسایه» نوشته شاری لاپنا یک رمان جنایی و معمایی است که روایتی دلهره‌آور دارد و امین حسین‌پور تلاش کرده است استخوان و اسکلت اثر خود را بر پایه این رمان که از آثار برگزیده سال ۲۰۱۶ است بنا کرده است. عنوان فرعی «تقریبا هر کاری از آدم‌ها برمی‌آید» که روی جلد کتاب «زن همسایه» نقش بسته است، نوید یک داستان هیجان‌انگیز و جنایی را به خواننده می‌دهد. داستان این رمان از مهمانی شام دو زوج که در همسایگی یکدیگر زندگی می‌کنند شروع می‌شود و در همان فصل‌های ابتدایی با اولین اتفاق مواجه می‌شویم: نوزاد آنه و مارکو ربوده می‌شود. اما این تنها اتفاق تکان‌دهنده داستان نیست؛ رمان با ورود پلیس و تحقیقات آنها پیش می‌رود و در این میان از رازها، فریب‌ها و دروغ‌هایی که بین این زوج‌های همسایه وجود داشته پرده برداشته می‌شود. کتاب «زن همسایه» اثری از شاری لاپنا، رمانی در سبک جنایی، معمایی و دلهره‌آور است که در سال ۲۰۱۶ منتشر شد. این رمان که از پرفروش‌های نیویورک‌تایمز و ساندی‌تایمز بوده، برنده جوایز و عناوینی مانند «کتاب سال WHSmith» در سال ۲۰۱۶، «عنوان شماره ۱ داستان بزرگسالان در بریتانیا» در سال ۲۰۱۷ و «پرفروش‌ترین کتاب» در چند فهرست و جایزه کتاب کانادا و بریتانیا شده است. کتاب «زن همسایه» را نشر آموت با ترجمه عباس زارعی به فارسی ترجمه کرده است.

داستان کتاب زن همسایه چیست؟

داستان کتاب «زن همسایه» از یک مهمانی تولد شروع می‌شود؛ آنه و مارکو به خانه همسایه دیوار به دیوارشان رفته‌اند و به نوبت به نوزاد شش ماهه خود که در خانه گذاشته‌اند سر می‌زنند. اما هنگامی که پس از نیمه‌شب به خانه بازمی‌گردند، با درِ باز خانه و تخت خالی بچه مواجه می‌شوند: کودک‌شان ربوده شده است. پلیس وارد می‌شود و به بازرسی خانه و بازجویی از والدین و همسایه‌ها می‌پردازد. در این میان، کارآگاه راسبک حس می‌کند این زوج چیزهایی را مخفی می‌کنند. او پس از پیدا نکردن مدرکی مبنی بر ورود شخصی غریبه به خانه، به والدین بچه مظنون می‌شود. اما در ادامه معلوم می‌شود که ماجراهای پیچیده‌تری هم در جریان است؛ از همان صفحه اول کتاب، بذر شک و نگرانی در دل خواننده کاشته می‌شود. آنه که درگیر افسردگی پس از زایمان است، حس خوبی بابت حضور بدون فرزندش در مهمانی ندارد و به‌علاوه، به رابطه بین مارکو و زن همسایه مشکوک شده است. ریتم سریع کتاب در روایت اتفاقات، حس ترس و آشفتگی آنه و مارکو پس از گم شدن فرزندشان را به خوبی به خواننده منتقل می‌کند. در طی تحقیقات پلیس، آنه و مارکو متوجه می‌شوند که هر کدام رازهایی را سال‌ها از همدیگر پنهان کرده‌اند. این رازها، دروغ‌ها و خیانت‌هایی که در طول داستان فاش می‌شوند و همچنین تعلیق‌های آن، باعث می‌شود زمین گذاشتن کتاب کار راحتی نباشد. شخصیت‌پردازی کاراکترها نیز به خوبی انجام شده است و خواننده احساسات آنها را درک می‌کند. در مجموع، خواندن این پرمخاطب و پرهیجان به علاقمندان رمان‌های پلیسی و معمایی پیشنهاد می‌شود.

عنوان فرعیِ «تقریبا هر کاری از آدم‌ها برمی‌آید» که روی جلد کتاب «زن همسایه» نقش‌بسته‌است، نوید یک داستان هیجان‌انگیز و جنایی را به خواننده می‌دهد. داستان این رمان از مهمانی شام دو زوج که در همسایگی یکدیگر زندگی می‌کنند شروع می‌شود و در همان فصل‌های ابتدایی با اولین اتفاق مواجه می‌شویم: نوزاد آنه و مارکو ربوده می‌شود.

بخشی از کتاب زن همسایه

آنه طنین صدای جیغش را درون سرش و روی دیوارها می‌شنود، فریاد او همه جا را پر کرده است. بعد ساکت می‌شود و در حالی که دستش را جلوی دهانش گذاشته است، جلوی تخت خالی بچه خشکش می‌زند. مارکو کورمال کورمال دنبال کلید برق می‌گردد. هر دو به تخت خالی بچه خیره می‌شوند، جایی که نوزادشان باید آنجا باشد. امکان ندارد نباشد! کورا به تنهایی نمی‌توانسته از تخت خارج شود. او یک نوزاد شش ماهه بیشتر نیست.

آنه آهسته می‌گوید: «به پلیس زنگ بزن.» بعد بالا می‌آورد و مایع توی شکمش روی انگشتانش و بعد روی کف چوبی اتاق می‌ریزد. اتاق بچه به رنگ زرد کره‌ای ملایم رنگ شده و تصویر بره‌هایی که جست و خیز می‌کنند، روی دیوارها نقش بسته است. فوراً بوی ترس و وحشت فضای اتاق را پر می‌کند.

مارکو قدرت حرکت را از دست داده است. آنه به او نگاه می‌کند. مارکو شوکه شده و به تخت خالی خیره مانده است، انگار هنوز باورش نمی‌شود. آنه ترس و گناه را در چشمان او می‌بیند و شروع می‌کند به شیون کردن؛ صدایی تیز و ترسناک مانند صدای حیوانی که درد می‌کشد. آنه از هال عبور کرده و خود را به اتاق خواب می‌رساند، تلفن را از روی میز برمی‌دارد و با ۹۱۱ تماس می‌گیرد. دستانش می‌لرزند، گوشی تلفن هم به مایع استفراغ او آلوده می‌شود. مارکو بالاخره خودش را پیدا می‌کند. آنه صدای او را می‌شنود که دارد به سرعت در طبقه دوم راه می‌رود. مارکو دستشویی و حمام بالای راه پله را چک می‌کند، بعد از کنار آنه رد می‌شود و به اتاق آخر سر می‌زند؛ اتاقی که آن را به دفتر کار تبدیل کرده‌اند. آنه تعجب می‌کند که چرا مارکو دارد خانه را جستجو می‌کند. انگار بخشی از ذهن آنه جدا شده و دارد منطقی فکر می‌کند. نوزاد آنها به تنهایی قادر به حرکت نیست؛ بنابراین نمی‌تواند در حمام یا اتاق کار باشد.

کسی بچه آنها را برده است.

وقتی منشی پلیس گوشی را برمی‌دارد، آنه فریاد می‌زند: «یکی بچه‌مون رو دزدیده!» دیگر نمی‌تواند خود را آرام کند و به سؤالات منشی جواب بدهد. منشی پلیس می‌گوید: «درک می‌کنم، خانم. سعی کنید آروم باشید، پلیس تو راهه.» آنه گوشی را می‌گذارد. تمام بدنش می‌لرزد. حس می‌کند دوباره دارد حالش بد می‌شود. به کار خودشان فکر می‌کند. آنها بچه را توی خانه تنها گذاشته بودند. آیا این کار غیرقانونی است؟ باید باشد. چطور باید این موضوع را توضیح بدهند؟

مارکو دم در اتاق خواب ظاهر می‌شود، رنگ پریده و رنجور. آنه فریاد می‌کشد: «تقصیر تو بود!» او را هل می‌دهد و رد می‌شود. به سمت دستشویی بالای پلکان می‌رود و دوباره بالا می‌آورد. این بار توی روشویی، بعد دستان لرزانش را می‌شوید و دور دهانش را پاک می‌کند. توی آینه نگاهی به خودش می‌اندازد. مارکو درست پشت سرش ایستاده است. نگاهشان در آینه به هم گره می‌خورد. مارکو آهسته می‌گوید: «متأسفم، تقصیر من بود.»

«قلعه اوترانتو» در کتابفروشی‌ها

گروه فرهنگ و هنر– رمان «قلعه اوترانتو» نوشته هوراس والپول با ترجمه مهرداد وثوقی راهی بازار کتاب شده است. در نوشته پشت جلد این رمان که در ۲۱۴ صفحه با شمارگان ۱۱۰۰ نسخه و قیمت ۲۵۰ هزار تومان در انتشارات ققنوس منتشر شده، می‌خوانیم: در قرن هجدهم، وقتی داستان با وحشت و وهم، با راز و ابهام، مرگ و نفرین، موجودات غیرطبیعی و قوانین فراواقعی در آمیخت، گونه‌ای ادبی متولد شد با عنوان گوتیک. ادبیات گوتیک پر است از پدیده غیرعادی، از تصویر و خیال؛ گاه موجودات عجیب و غریب درش دلبری می‌کنند و دل می‌بازند، گاه آدم‌های عادی پا از دنیای معقول و معمولی‌شان فراتر می‌گذارند. بنابراین در آثار گوتیک در عین حال که تأکید بر احساسات است، وجه لذت‌بخش ترس نیز چاشنی روایت می‌شود. چنین است که داستان‌ها و رمان‌های این گونه ادبی، از «قلعه اوترانتو» و «دراکولا» و «فرانکشتاین» گرفته تا «سرود کریسمس» و «شبح اپرا»، بارها و بارها تلخیص شده‌اند، روایت‌ها و قرائت‌های متعدد دارند، به زبان‌های بسیار ترجمه شده‌اند و اقتباس‌های سینمایی موفقی از آن‌ها ارائه شده است. در اهمیت «قلعه اوترانتو» همین بس که والتر اسکات در وصف آن گفته است در خور توجه، نه‌تنها به‌دلیل جذابیت مبهوت‌کننده داستانش، بلکه به این دلیل که اولین نمونه رمان مدرن است که در پی قصه‌ای سرگرم‌کننده با شالوده‌ای از رمانس‌های قدیمی با موضوع شوالیه‌گری است.

«آن‌ها مرا دوست داشتند» از ۱۸ مهر روی پرده سینماهای کشور

گروه فرهنگ و هنر– فیلم سینمایی «آن‌ها مرا دوست داشتند» از ۱۸ مهر ماه در سینماهای سراسر کشور اکران می‌شود.

فیلم سینمایی «آن‌ها مرا دوست داشتند» به کارگردانی محمدرضا رحمانی و تهیه‌کنندگی اجرایی و سرمایه‌گذاری ایرج رحمانی از ۱۸ مهر ماه به سرگروهی پردیس سینمایی هویزه مشهد اکران خواهد شد.

به گفته ایرج رحمانی، با تدوین مجدد زهره احمدی توچایی، فیلم با ورژنی کاملا متفاوت نسبت به نسخه‌ای که در جشنواره چهل و یکمین دوره فیلم فجر به نمایش درآمد در سینماها اکران خواهد شد. سید محمود موسوی‌نژاد صداگذاری و سامان مجدوفایی اصلاح رنگ و نور این فیلم را بر عهده داشته‌اند. در آستانه اکران همچنین از پوستر این فیلم با طراحی کیارش کاویان رونمایی شد. امیرحسین آرمان، امیر جعفری و مهسا اسماعیلی به عنوان چهره جدید به همراه نسیم ادبی، شهرام قائدی، هادی تسلیمی، سیدعلی صالحی، ایرج رحمانی و (با هنرمندی) لیلا بلوکات بازیگرانی هستند که در «آن‌ها مرا دوست داشتند» به ایفای نقش پرداخته‌اند. سینا غفاری، حسین سلمانی مروست، شیلان مدنی، لیلا حسنی و الهه داودی که همگی جزو هنرجویان آکادمی بازیگری آوین محسوب می‌شوند، از دیگر چهره‌های جدید این فیلم هستند. «آن‌ها مرا دوست داشتند» در چهل و یکمین دوره جشنواره فیلم فجر در دو رشته بازیگر نقش مکمل (امیر جعفری) و بهترین طراحی گریم (امید گلزاده) نامزد دریافت سیمرغ بلورین شد.

پخش این فیلم بر عهده نیمروز فیلم (مهدی صباغ‌زاده) قرار دارد.

دیگر عوامل اصلی این پروژه سینمایی عبارت هستند از: نویسندگان: محمدرضا رحمانی، محسن دین‌محمد، مدیر فیلمبرداری: ابوالفضل نباتی، مدیر صدابرداری: علی گراکویی، طراح چهره‌پردازی: امید گل‌زاده، آهنگساز: بهنام ابطحی، طراح صحنه: فرهاد ابراهیمی، طراح لباس: محمدرضا رحمانی، حنا قراگزلو، مشاور رسانه‌ای: امین اعتمادی‌مجد، عکاس: رامونا میریان، مدیر تدارکات: مجید رنجبر، مدیر بازرگانی: مهسا مهاجر، دستیار تولید: احمد زنگنه بیدکرپه.

کیشوندان عزیز – می توانند هر گونه مشاهده عرضه مواد غذایی فاسد یا تاریخ مصرف گذشته در فروشگاهها و مراکز عرضه مواد غذایی را به این شماره ها اعلام دارند ۱۹۰ -۱۲۴ -۴۴۴۲۳۳۱۱ -۰۹۳۴۷۶۹۰۱۹۹

روابط عمومی مرکز بهداشت کیش